

دکتر گری یتس، کتاب دوازدهم، جلسه هشتم، عاموس، داوری بر ملتها

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر گری یتس هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد پیامبران کوچک. این جلسه هشتم، داوری بر ملتها است.

عاموس فصل‌های اول و دوم. در مطالعه‌مان در مورد کتاب عاموس تاکنون، نگاهی به مضامین اصلی و الهیات کتاب انداخته‌ایم.

می‌خواهم از این درس شروع کنم و کمی سیستماتیک‌تر در طول کتاب پیش بروم. به یاد داشته باشید که یکی از سهم‌های کلیدی پیامبران این است که آنها درک و دیدگاه ما از خدا را به چالش می‌کشند، بسط می‌دهند و گسترش می‌دهند. به خصوص در فرهنگ ما که صرفاً می‌خواهد خدایی را ببیند که عشق، پذیرش و بخشش است.

در نوشته‌های انبیا، آن جنبه‌ی دیگر خدا، خشم او، تقدس او، خشم او و هر دو جنبه‌ی شخصیت خدا چیزی است که هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید مورد تأکید قرار گرفته است. این ایده که خدا، خدایی مقدس است، فقط چیزی نیست که در عهد عتیق باشد. در عهد جدید نیز به ما یادآوری شده است.

کتاب اول پطرس به ما این دستورالعمل را می‌دهد که مقدس باشید، زیرا من امروز برای قوم خدا مقدس هستم، همانطور که موسی این دستورالعمل را به قوم اسرائیل و لاویان داد. عبرانیان به ما یادآوری می‌کند که خدای ما آتش سوزاننده است. خطبه‌ای در کتاب اعمال رسولان به ما یادآوری می‌کند که در دوران جهل در گذشته، در دوران عهد عتیق، خدا جهل مردم را نادیده می‌گرفت.

اما اکنون او با توجه به مرگ عیسی و با توجه به وحی پسرش، فرمان می‌دهد که همه مردم توبه کنند. بنابراین گاهی اوقات، ما این ایده را داریم که خدای عهد عتیق سختگیرتر، خشمگین‌تر و درستکارتر از خدای عهد جدید است. از برخی جهات، ممکن است ببینیم که خدای عهد جدید حتی سخت‌گیرتر است.

اما در عاموس، ما با این جمله آغازین درباره خدا شروع می‌کنیم. خداوند از صهیون غرش می‌کند و صدایش را از اورشلیم بلند می‌کند. او شیر غران و طوفان رعدآسا است.

این جمله و آن تصاویر از خدا، نقل قولی از آنی دیلارد از چند سال پیش را به من یادآوری می‌کند که دوست دارم آن را بخوانم، نقل قولی که فقط قدرت و هیبت و عظمت خدا را به ما یادآوری می‌کند. او می‌گوید: آیا کسی کوچکترین ایده‌ای دارد که ما با خوشحالی از چه نوع قدرتی استفاده می‌کنیم؟ یا، همانطور که گمان می‌کنم، هیچ کس یک کلمه از آن را باور نمی‌کند؟ کلیساها کودکانی هستند که روی زمین با کیت‌های شیمی را برای کشتن یک صبح یکشنبه مخلوط می‌کنند. پوشیدن کلاه‌های حصیری TNT بازی می‌کنند و یک بسته زنانه و کلاه‌های مخملی در کلیسا دیوانگی است.

همه ما باید کلاه ایمنی بپوشیم. آشر باید جلیقه نجات و چراغ‌های راهنما بدهد. آنها باید ما را به نیمکت‌هایمان ببندند.

زیرا خدای خفته ممکن است روزی بیدار شود و رنجیده خاطر شود، یا خدای بیدار ممکن است ما را به جایی بکشد که دیگر هرگز نتوانیم به آن بازگردیم. و من فکر می‌کنم این همان چیزی است که در کتاب

عاموس با آن مواجه هستیم. عاموس به قوم اسرائیل یادآوری می‌کند که خدای خفته در سُرف بیدار شدن است.

و خدایی که آنها بدیهی پنداشته‌اند، واقعاً مانند شیر غران در طوفانی سهمگین است. همانطور که ما شروع به خواندن سیستماتیک کتاب عاموس می‌کنیم، یکی از کشمکش‌ها و مشکلاتی که فکر می‌کنم خوانندگان مدرن با پیامبران دارند، گاهی اوقات تلاش برای یافتن ترتیب و ساختار و ترتیب زمانی این کتاب‌ها است. یکی از نویسندگان اظهار داشته است که مشکلی که ما با کتاب‌هایی مانند اشعیا، ارمیا و حزقیال داریم این است که آنها را به عنوان کتاب به معنای مدرن کلمه نمی‌خوانند.

در ابتدا فهرست مطالب برای راهنمایی ما وجود ندارد. اینها مانند کتاب‌هایی که من در کیندل می‌خوانم نیستند، که بخش‌های کوچک و مرتبی داشته باشند. آنها از یک ترتیب زمانی مشخص پیروی نمی‌کنند.

و شاید نزدیک‌ترین چیزی که می‌توانیم به یک کتاب نبوی تصور کنیم، کشیشی است که به مدت ۳۰ یا ۴۰ سال در کلیسا موعظه یا موعظه کرده است و کسی گلچینی از آن پیام‌ها را گردآوری می‌کند. و نه همیشه آنها را بر اساس ترتیب زمانی یا دوره‌ها یا زمان خدمت آن کشیش مرتب می‌کند، بلکه به سادگی آنها را به روشی عجیب و غریب به هم می‌چسباند. و این چیزی است که اغلب به نظر می‌رسد در پیامبران داریم.

با عاموس، ما ممکن است ده سال خدمت داشته باشیم، شاید خلاصه شده در گلچینی از نه فصل. مارتین لوتر، به شیوه‌ای که فقط لوتر می‌توانست این را بگوید، این نظر را در مورد پیامبران بیان می‌کند. او می‌گوید پیامبران شیوه‌ی عجیبی در صحبت کردن دارند.

مثل افرادی که به جای اینکه به ترتیب پیش بروند، از یک چیز به چیز دیگر می‌پرند، طوری که نمی‌توانید سر و ته حرف‌هایشان را بفهمید و بفهمید به چه چیزی می‌خواهند برسند. و دانش‌آموزان من اغلب، در امتحانات، وقتی با کتاب‌های نبوی سر و کار داریم، وقتی امتحان تمام می‌شود، این حس را به من منعکس می‌کنند. خوب، چطور یک کتاب نبوی را ساختار بندی کنیم؟ چطور آن را مرتب کنیم؟ چطور ترتیب را تشخیص دهیم؟ این اغلب یک چالش است.

با این حال، فکر می‌کنم در کتاب عاموس، ساختار نسبتاً روشنی داریم. و من قصد دارم این کتاب را در سه بخش بررسی کنم. فصل‌های اول و دوم به داوری خدا بر ملت‌ها می‌پردازند.

ما شاهد مواجهه خدا با هشت ملت مختلف و داوری خدا بر آن مردم هستیم. داوری در آن بخش با قوم خدا به اوج خود می‌رسد: ابتدا یهودا، پادشاهی جنوبی، و سپس اسرائیل، پادشاهی شمالی.

این فصل‌های اول و دوم است. در فصل‌های سوم تا ششم، تأمل و توضیح مبسوطی در مورد داوری اسرائیل داریم. و یادآوری و توضیحی در مورد اینکه چرا خداوند قوم خود را داوری می‌کند، داریم.

ما هشدار داریم که نشان می‌دهد این داوری چقدر شدید و خطرناک خواهد بود. این یک تبعید خواهد بود. این یک شکست نظامی خواهد بود.

اسرائیل مانند بازماندگانی خواهد بود که از دهان شیر بیرون کشیده می‌شوند. نود درصد مردم یا خواهند مرد. یا به تبعید برده خواهند شد. و بنابراین، تصویر داوری را گسترش می‌دهد.

اما در حالی که داوری در راه است و در حالی که احتمال و احتمال وقوع این اتفاق وجود دارد، خداوند همچنان به مردم فرصت توبه می‌دهد. و بنابراین، به ویژه در فصل پنجم، تعدادی فراخوان برای توبه با

انگیزه مثبت وجود دارد: این کاری است که اگر توبه کنید، خداوند برای شما انجام خواهد داد. می‌توان از داوری اجتناب کرد، اما اگر توبه نکنید، این مصیبت و فاجعه‌ای است که خداوند بر شما نازل خواهد کرد.

بنابراین، عاموس می‌گوید، خداوند را بجویید و زندگی کنید. نیکی را بجویید و آنچه درست است انجام دهید. بگذارید عدالت مانند رودخانه‌ای روان باشد.

اگر این کار را انجام دهید، این احتمال وجود دارد که از این داوری وحشتناک اجتناب شود. در نهایت، در فصل‌های هفتم تا نهم، مجموعه‌ای از پنج رؤیا داریم. اغلب، خداوند آینده یا پیامی را که از پیامبر خواسته بود به مردم ابلاغ کند، به صورت بصری آشکار می‌کرد، در حالی که پیامبر در واقع رؤیایی می‌دید که اغلب به صورت نمادین به تصویر کشیده می‌شد.

و تصاویر موجود در آن رؤیا، پیامی را که پیامبر قرار بود سپس با مردم در میان بگذارد، منتقل می‌کردند. و بنابراین، ما مجموعه‌ای از پنج مورد از آنها را داریم. آنها با داوری سروکار دارند.

آنها با رؤیایی در فصل نهم به اوج خود می‌رسند که داوری اسرائیل را به عنوان زلزله‌ای به تصویر می‌کشد که معبد و محراب نمایانگر قوم خدا و ملت اسرائیل را ویران می‌کند. من فکر می‌کنم این یک راه بسیار مؤثر برای پایان کتاب است، زیرا به یاد داشته باشید، عاموس ۱:۲ به ما می‌گوید که عاموس دو سال قبل از زلزله در اسرائیل خدمت می‌کرد. زلزله‌ای که خدا بر قوم فرستاد، هشدار برای داوری‌ای بود که قرار بود در پی آن بیاید.

بنابراین، رؤیای نهایی این ایده خدا را به عنوان طوفان، ایده زلزله، در نظر می‌گیرد و اسرائیل را به عنوان یک پناهگاه یا معبدی که در حال فروپاشی است، به تصویر می‌کشد و داوری خدا قرار است فرا برسد. در میان این پنج رؤیا، یک بخش روایی وجود دارد. بخش روایی به ندای عاموس و واکنشی که قوم اسرائیل به پیام عاموس داشتند، می‌پردازد که در سخنان کاهن آمازیا منعکس شده است، که به عاموس دستور می‌دهد به یهودا برگردد، موعظه کردن را متوقف کند، از صحبت کردن علیه پناهگاه پادشاه دست بردارد.

و این واقعیت که اسرائیل این پیام را رد می‌کند، این واقعیت که رهبری در مقابل آنچه عاموس قرار است بگوید ایستاد، در نهایت به همین دلیل است که خدا داوری را به ارمغان خواهد آورد. بخش پایانی عاموس فصل ۹، آیات ۱۱ تا ۱۵، ضمیمه‌ای است که پیامی از امید ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه پس از پایان این داوری، خدا قوم اسرائیل را احیا خواهد کرد. این پیام فراتر از داوری پادشاهی شمالی است.

این درباره فروپاشی خاندان داوود صحبت می‌کند. و بنابراین، یهودا نیز این داوری را تجربه خواهد کرد. اما هنگامی که داوری فرا برسد، بازسازی‌ای رخ خواهد داد که در آن اسرائیل با امنیت در سرزمین مستقر خواهد شد.

خداوند سلسله داوود را نیز دوباره برقرار خواهد کرد. و خداوند برکاتی را که در ابتدا در عهد به قوم خود وعده داده بود، بر آنها خواهد ریخت. بنابراین ساختار عاموس اینگونه است.

ما قصد داریم به فصل‌های ۱ تا ۲، ۳ تا ۶، ۷ تا ۹ نگاهی بیندازیم. من می‌خواهم با نگاهی به این بخش، بخش آغازین کتاب در فصل‌های ۱ تا ۲، شروع کنم، جایی که عاموس داوری خدا بر ملت‌ها را برای ما ارائه می‌دهد. چیزی که در این دو فصل اول به ما توجه می‌کند، یادآوری این نکته است که خدا فقط خدای اسرائیل نیست. او فقط خدای یهودا نیست.

او فقط خدای قوم برگزیده‌اش نیست، بلکه خدای حاکم و پروردگار همه ملت‌هاست. و این به او حق و اختیار می‌دهد تا آن ملت‌ها را داوری کند. من معتقدم که این بازتاب روشنی از باور توحیدی اسرائیل است.

آنها باور ندارند که خدایان دیگر این قوم بر ملت‌ها حکومت و اقتدار دارند. یهوه، خدای اسرائیل، خدای واحد حقیقی، در نهایت همه ملت‌ها را داوری می‌کند و همه مردم در برابر او پاسخگو هستند. این یک چیز شگفت‌انگیز است.

اسرائیل یک کشور کوچک است، گاهی اوقات به اندازه ایالت نیوجرسی. این کشور چنین منطقه‌ای را اشغال می‌کند. با این حال، این افراد این باور جسورانه و این ایده متظاهرانه را دارند که خدای آنها قاضی همه ملت‌ها است.

خدایان آشور که به نظر بسیار قدرتمند می‌رسند، خدایانی نیستند که ملت‌ها به آنها پاسخگو باشند. ملت‌ها به خداوند پاسخگو هستند. و بنابراین، خدایان آشور، خدایان مصریان، خدایان بابلی‌ها، آن خدایان در مقایسه با یهوه هیچ هستند زیرا یهوه در نهایت داور است.

همچنین برای ما جالب است که به چیدمان هشت سخنرانی داوری که در اینجا یافت می‌شود توجه کنیم. من فکر می‌کنم پیامبر در اینجا استفاده بسیار ماهرانه از فن بیان را منعکس می‌کند. ارسطو گفته است که کلید ارتباط خوب و سخنوری خوب شامل لوگوس، پاتوس و اتوس است.

پیامبران قطعاً یک روحیه‌ی قوی دارند. این روحیه، تورات و وحی خدا و تقدس خداست. آنها قطعاً حس همدردی دارند زیرا به دلیل فوریت پیامشان، با شور و اشتیاق صحبت می‌کنند.

اما آنها همچنین از بلاغت لوگوس برای انتقال پیام خود و اطمینان از اینکه مردم به وضوح آنچه را که سعی در گفتن آن دارند شنیده‌اند، استفاده می‌کنند. پیامبران همان مشکلی را داشتند که بسیاری از ما به عنوان کشیش در صبح یکشنبه داریم. مردمی که ما با آنها صحبت می‌کنیم، همه اینها را بارها و بارها قبلاً شنیده‌اند.

و گاهی اوقات صبح یکشنبه متوجه می‌شویم که آنها همیشه شنوندگان پرانرژی نیستند. خب، پیامبران هم همین مشکل را داشتند. مردم از زمان الیاس و الیشع، هشدارهای نبوی در مورد داوری و دعوت به توبه را شنیده بودند.

چگونه می‌توانم این افراد را به گوش دادن وادارم؟ و به نظر من، پیامبران اغلب به نحوه‌ی انتقال این پیام به همان اندازه که به هسته‌ی اصلی پیام توجه داشتند، توجه ویژه‌ای داشتند. من معتقدم که ما به عنوان کشیش، به فن بیان خود تکیه نمی‌کنیم. پولس در قرن‌تین می‌گوید: ما به کلمات ترغیب‌کننده‌ی انسانی تکیه نمی‌کنیم.

اما برای ما مهم است که به نحوه‌ی انتقال پیاممان توجه کنیم. گاهی اوقات به عنوان یک کشیش، فکر می‌کنم فکر کردن به این که پنج نفر از افرادی که می‌شناسم و با پیامی که سعی دارم امروز صبح ارائه دهم مشکل دارند، چه کسانی هستند، برایم مفید است. و اگر آنها در میان حضار نشسته بودند و به من گوش می‌دادند، می‌خواستم به آنها چه بگویم تا آنها را به فکر پیامی که سعی در انتقال آن دارم، وادار کنم؟ خب. عاموس، همانطور که او اینجا صحبت می‌کند و همانطور که سعی دارد توجه مردم اسرائیل را جلب کند

او از یهودا آمده است. او در این سرزمین غریب است. چگونه می‌توانم با این مردم به گونه‌ای ارتباط برقرار کنم که به من گوش دهند؟ من فکر می‌کنم ترتیب و آرایش ملت‌ها در اینجا، همانطور که او صحبت می‌کند، نشان دهنده استفاده قدرتمند از فن بیان است.

یکی از اساتید من گفت که در این متن در فصل‌های اول و دوم، عاموس نبی، قوم را طوری می‌پزد که اصلاً متوجه نشوند در دیگ هستند. و روشی که او این کار را انجام می‌دهد این است که عاموس با صحبت در مورد داوری ملت‌هایی که اسرائیل را احاطه کرده بودند، شروع می‌کند. شش سخنرانی اول داوری در مورد دولت-ملت‌ها یا دولت‌های کوچکی است که قوم اسرائیل را در منطقه سوریه-فلسطین احاطه کرده بودند.

هفتمین پیامی که قرار است ابلاغ شود، پیامی به پادشاهی جنوبی یهودا است. و می‌خواهم تصور کنید که قوم اسرائیل، وقتی این پیام را می‌شنوند، چه واکنشی نشان می‌دهند و چه افکاری دارند. همانطور که پیامبر در مورد خدایی صحبت می‌کرد که از صهیون غرش می‌کند و رعد خود را از اورشلیم صادر می‌کند تا بیرون برود. و مردم اطراف خود را داوری کند، آنها کاملاً با این پیام موافق بودند.

وقتی پیامبر درباره داوری‌های سوری‌ها، فلسطینی‌ها، مردم صور، ادومی‌ها، عمونی‌ها و موآبی‌ها صحبت می‌کرد، آنها پیام او را تحسین می‌کردند، زیرا اسرائیل از بسیاری جهات سابقه طولانی خصومت با بسیاری از این مردم داشت. درگیری مداومی بین اسرائیل و سوریه وجود داشت و آنها بر سر زمین و قلمرو با هم می‌جنگیدند. ادوم، نوادگان عیسو، از قبل از ورود قوم اسرائیل به سرزمین موعود، رقیب آنها بودند.

و بنابراین، می‌توانم تصور کنم وقتی عاموس درباره داوری ملت‌های اطراف صحبت می‌کرد، می‌توانست با استقبال فوق‌العاده‌ای روبرو شود. حتی ممکن است برای این پیام‌ها تشویق هم صورت گرفته باشد. بشقاب هدایا در آن یکشنبه‌های خاص پر بود.

و سپس، دوباره، در ادامه‌ی استفاده‌ی بسیار استراتژیک از فن بیان، پیام هفتم، که ممکن است برای ما پیام اوج به نظر برسد، چرخه‌های هفتگانه در سراسر کتاب عاموس وجود دارد. عاموس ۲۱:۵-۲۴، هفت کاری که قوم اسرائیل انجام می‌دهند. در جاهای دیگر، این فهرست‌ها از هفت چیز مختلف هستند.

به نظر می‌رسد پیام هفتم، پیام پایانی و اوج ماجرا باشد. و اتفاقاً آن پیام درباره پادشاهی جنوبی یهودا است. عاموس، یهودا، علیه قوم خود سخن می‌گوید.

ما واقعاً این پسر را دوست داریم. شاید باید او را نگه داریم. شاید او دوست داشته باشد منتقل شود و برای همیشه یک اسرائیلی شود.

بنابراین، آنها این پیام را تحسین می‌کردند. به نظر می‌رسد که این سلسله سخنرانی‌های داوری به پایان رسیده است، اما مشکل این است که یک پیام هشتم وجود دارد. و آن پیام هشتم قرار است با قوم اسرائیل سروکار داشته باشد.

و ناگهان، این پیامبر که به خاطر صحبت در مورد این خدای غران و رعدآسا که دیگران را داوری می‌کند، مورد تحسین قرار گرفته بود، اکنون قرار است در مورد گناهان اسرائیل صحبت کند. و به یک معنا، بمب بر سر این مردم فرود می‌آید. نکته اصلی خطبه ساخته شده است.

و وقتی قضاوت به سمت آنها معطوف می‌شود و خودشان هدف قرار می‌گیرند، متوجه خواهیم شد که آنها، به شدت نمی‌پذیرند. من فکر می‌کنم برای افراد کلیسا، وقتی از گناهان فرهنگ اطرافمان صحبت می‌کنیم، اغلب مورد تشویق زیادی قرار می‌گیریم. اما وقتی به گناهان کلیسا می‌پردازیم، چه مادی‌گرایی ما باشد، چه

حرص و طمع ما، چه نحوه برخورد ما با ازدواج‌هایمان، و از این قبیل... وقتی شروع به صحبت در مورد گناهان درون کلیسا، مانند عدم بخشش، عدم بشارت و عدم اشتیاق برای مأموریت‌های جهانی می‌کنیم، پیام‌های ما اغلب بسیار کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرند.

اگر در مورد رویگردانی و ارتداد سایر فرقه‌ها صحبت کنیم، مردم پیام‌های ما را تحسین خواهند کرد. اما، وقتی شروع به صحبت در مورد مبارزات و مسائل و روابط از هم گسیخته در جماعت خودمان می‌کنیم اغلب مردم کمتر مایل به شنیدن درباره خدای مقدس و داوری و عدم تایید او می‌شوند. من به این فکر می‌کنم که برای کلیسا، هفت کلیسای کتاب مکاشفه، چگونه بود، زیرا آنها نامه‌ای شخصی از عیسی دریافت کردند و چگونه به آن پاسخ دادند.

عاموس قصد دارد این پیام را به همان اندازه که علیه قوم اسرائیل صحبت می‌کند، برای آنها شخصی جلوه دهد. بنابراین، نکته‌ی اوج در تمام این ماجرا این است که بله، خدا خدایی است که ملت‌ها را داوری می‌کند. همه ملت‌ها در برابر او پاسخگو هستند.

اما یهودا و اسرائیل معافی دریافت نمی‌کنند. آنها صرفاً به این دلیل که قوم برگزیده خدا هستند، از زندان آزاد نمی‌شوند. حال، دوباره، بیایید به ترتیب و روند این موضوع نگاهی بیندازیم.

در فصل ۱ آیه ۳، کاری که پیامبر قرار است انجام دهد این نیست که فقط با صحبت در مورد داوری‌های سایر اقوام، این موضوع را مطرح کند. او همچنین قرار است قوم اسرائیل را به طور مؤثر محاصره کند. در نهایت، تمام مردم اطراف آنها هدف داوری قرار گرفته‌اند و تنها چیزی که باقی مانده یهودا و اسرائیل است.

فصل ۱، آیه ۳، برای سه گناه دمشق. دمشق پایتخت سوریه، آرامیان است. آن در شمال شرقی اسرائیل است.

فصل ۱، آیه ۶، خداوند چنین می‌گوید، به خاطر سه گناه غزه. غزه، آنها فلسطینیان هستند. آنجا در جنوب غربی است.

بنابراین، ما از شمال شرقی به جنوب غربی می‌رویم. فصل ۱، آیه ۹، برای سه گناه صور. صور این شهر تجاری قدرتمند در شمال، در سرزمین فنیقی‌ها و کنعانی‌ها است.

بنابراین او پس از اقامت در غزه به شمال بازمی‌گردد. فصل ۱، آیه ۱۱، به خاطر سه گناه ادوم در جنوب شرقی، یعنی ادومی‌ها. فصل ۱، آیه ۱۳، به خاطر سه گناه عمونی‌ها، در شرق اما در شمال ادومی‌ها.

در فصل ۲، آیه ۱، برای سه گناه موآب. همانطور که او از این مرحله عبور می‌کند، اساساً قوم اسرائیل را محاصره می‌کند، و سپس در نهایت یهودا وجود دارد، و سپس اسرائیل وجود دارد. بسیار خوب، حالا برای گناهان قوم و اساس داوری چیست؟ ما می‌دانیم که چرا و چگونه خدا قرار است یهودا و اسرائیل را داوری کند.

آنها مفاد عهد موسی را نقض کرده‌اند. آنها ده فرمان را رعایت نکرده‌اند. آنها ۶۱۳ دستوری را که خداوند به آنها داده است، رعایت نکرده‌اند.

آنها خداوند، خدای خود را با تمام قلب، ذهن و قدرت خود دوست نداشته‌اند. آنها همسایه خود را مانند خودشان دوست نداشته‌اند. اما خدا بر چه اساسی این ملت‌های دیگر را قضاوت می‌کند؟ او شریعت موسی را به آنها نداده است.

او آنها را بر اساس شریعت موسی قضاوت نمی‌کند، زیرا خدا این را به این مردم آشکار نکرده است. اما آنچه ما در اینجا می‌فهمیم این است که کلمه‌ای که گناه همه این ملت‌ها را توصیف می‌کند، از دمشق در ابتدا تا اسرائیل در انتهای این چرخه، کلمه‌ای است که در اینجا استفاده شده است، کلمه تجاوز، کلمه عبری پاشا. ایده اصلی این کلمه این است که به یک شورش اشاره دارد.

این نشان دهنده این ایده است که داوری خدا بر ملت‌ها به همان روشی که داوری خدا بر اسرائیل و یهودا بر اساس عهد است، بر اساس عهد است. آنها عهد خود را با خدا به همان روشی که اسرائیل و یهودا، به عنوان قوم برگزیده خدا، عهد موسی را نقض کرده بودند، نقض کرده‌اند. ما طعم این کلمه پاشا و ایده آن از تجاوز، شورش و نقض عهد را، گاهی در قلمرو انسانی در عهد عتیق می‌بینیم.

در دوم پادشاهان، باب ۳، آیه ۵، آمده است که پادشاه موآب علیه پادشاه اسرائیل شورش کرد، پاشا، او تا این لحظه یک دست نشانده بود. پادشاه موآب علیه این شورش می‌کند، می‌خواهد استقلال خود را از اسرائیل اعلام کند، و بنابراین علیه آن شورش می‌کند.

همانطور که کلمه پاشا را در اینجا می‌بینیم، یکی از اصطلاحات کلیدی گناه در عهد عتیق، ایده فقط گناه به طور کلی نیست، بلکه من فکر می‌کنم این ملت‌ها به روش خاصی پیمان خود را با خدا نقض کرده‌اند. بنابراین، سوالی که باید پرسیم این است که این پیمان چیست؟ ما در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ این موضوع تا حدودی زمانی روشن می‌شود که به انواع جنایاتی که این ملت‌ها به طور خاص به خاطر آن متهم شده‌اند، نگاه کنیم. من فکر می‌کنم این موضوع از طریق تعدادی سخنرانی داوری علیه ملت‌های خارجی، راه خود را پیدا خواهد کرد.

این یک ویژگی رایج در ادبیات نبوی است. این بدان معنا نیست که پیامبران به سفرهای جاده‌ای می‌رفتند و پیام‌هایی را برای این ملت‌های خارجی موعظه می‌کردند. در واقع، تنها پیامبری که ما می‌شناسیم به طور خاص به ملت دیگری رفت تا علیه آن و برای آن موعظه کند، یونس است.

این چیز عجیبی بود. این یک چیز غیرمعمول بود، و به نظر من بخشی از دلیلی است که یونس در برابر آن مقاومت کرد. اما موعظه پیام‌های نبوی، صحبت در مورد داوری خدا بر ملت‌ها، از ویژگی‌های رایج ادبیات نبوی است.

در کتاب انبیای بزرگ، اشعیا ۱۳ تا ۲۳، مجموعه‌ای از وحی‌ها علیه ملت‌ها را داریم. در ارمیا، در متن ماسورتیک، ارمیا ۴۶ تا ۵۱، وحی‌هایی علیه ملت‌ها وجود دارد. میانه کتاب حزقیال، فصل‌های ۲۵ تا ۳۲، به داوری ملت‌ها می‌پردازد.

در کتاب انبیای کوچک، در کتاب دوازده، این دو فصل را در انتها داریم. همچنین در کتاب دوازده، دو کتاب داریم، کتاب ناحوم و کتاب عوبدیا. آن پیام‌ها، آن کتاب‌ها، منحصرأً به داوری خدا بر قومی بیگانه می‌پردازند.

ناحوم درباره داوری نینوا و آشوریان صحبت می‌کند و عوبدیا قرار است درباره داوری ادومی‌ها صحبت کند، در کتاب حبقوق، فصل ۲، مجموعه‌ای از پیشگویی‌های غم‌انگیز علیه بابل داریم. در کتاب صفنیا، فصل ۲، مجموعه‌ای از سخنرانی‌های داوری علیه برخی از مردم داریم که در کتاب عاموس نیز یافت می‌شوند.

این بخش رایجی از موعظه‌های نبوی است، اما پیام‌ها به اندازه‌ای که قوم اسرائیل را هدف قرار می‌دادند متوجه ملت‌ها نبودند. این پیام‌ها برای یادآوری نکات خاص به آنها بود، نه برای بستن پیمان با این مردم، نه

برای باور کردن اینکه خدایان این مردم برتر از پروردگار اسرائیل، یهوه هستند، تا آنها را در بحبوحه ظلم و ستم و رنج و تبعید و شکست نظامی‌شان تشویق کند که خدا در نهایت با دشمنان اسرائیل برخورد خواهد کرد و وعده‌های عهد خود را محقق خواهد ساخت. اما جنایات خاصی که این ملت‌ها مرتکب می‌شوند چیست؟ در عاموس، عاموس بر این ملت‌ها تمرکز می‌کند که به دلیل جنایاتی که نسبت به سایر ملت‌ها مرتکب شده‌اند، خشونتی که مرتکب شده‌اند، و اغلب این واقعیت که در برخورد با سایر ملت‌ها صادق نبوده‌اند، و به تعهدات پیمانی یا وعده‌های عهد یا مسئولیت‌هایی که خود را به رعایت آنها متعهد کرده بودند، عمل نکرده‌اند، هدف خدا قرار گرفته‌اند.

دوباره به ما یادآوری می‌شود که خداوند بر هر آنچه در جهان می‌گذرد، ریاست می‌کند و ملت‌های زمین را به خاطر خشونت و جنایاتی که علیه یکدیگر مرتکب می‌شوند، مسئول می‌داند. وقتی به قرن بیستم فکر می‌کنیم و به این واقعیت فکر می‌کنیم که ممکن است ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر در جنگ کشته شده باشند، و به وحشت دو جنگ جهانی و هولوکاست و پاکسازی‌های کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی فکر می‌کنیم، این پیام هنوز هم برای ما امروز مرتبط است. خداوند ملت‌ها را زمانی که خشونت به خرج می‌دهند، زمانی که جنایات جنگی مرتکب می‌شوند و زمانی که مرتکب اعمال غیرانسانی نسبت به مردم خود یا سایر ملت‌ها می‌شوند، قضاوت می‌کند و خداوند این را می‌بیند و آنها را مسئول می‌داند.

در فصل ۱، آیه ۳، داوری آرامیان، سوریان، شهر دمشق آمده است. به خاطر سه گناه دمشق، و به خاطر چهار گناه، مجازات آنها را لغو نخواهم کرد، زیرا آنها جلعاد را با پتک‌های آهنین کوبیده‌اند. در هر یک از این سخنرانی‌ها، وقتی درباره داوری خدا و آمدن آن بر این ملت‌ها صحبت می‌شود، ما این فرمول مقدماتی را برای سه گناه، حتی برای چهار گناه، خواهیم داشت.

ما آن اعداد، سه و چهار، را در آن دو سطر شاعرانه جمع می‌کنیم، و به نظر می‌رسد که دوباره ایده یک فهرست کامل و جامع را منتقل می‌کند. با این حال، وقتی به نحوه استفاده از این وسیله در امثال نگاه می‌کنیم، اغلب عباراتی مانند این خواهیم داشت: شش چیز وجود دارد که خداوند از آنها متنفر است، بله هفت چیز، و سپس آخرین عدد معمولاً شماره فهرستی است که پس از امثال ۱۶:۶ می‌آید. سه چیز برای من بیش از حد شگفت‌انگیز است، چهار چیز فراتر از درک من. ما انتظار داریم فهرستی از چهار چیز در ادامه بیاید.

با این حال، آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد، برای سه گناه، یا برای سه گناه، حتی برای چهار گناه، من مجازات را لغو نمی‌کنم. به جای داشتن هفت گناه، یا به جای داشتن لیستی از چهار گناه، معمولاً چیزی که در این لیست‌ها داریم این است که به سادگی یک گناه ذکر شده است. برای برخی از ملت‌هایی که در این لیست هستند، دو گناه ذکر شده است.

فکر می‌کنم این نوعی تمرکز بر یک نمونه بارز از شرارت کامل و تمام‌عیار آنهاست. گناه دمشق این است که آنها جلعاد را با سورت‌های آهنین کوبیدند. جلعاد شهری اسرائیلی در سمت شرق اردن بود.

این سرزمینی بود که سوری‌ها و بنی اسرائیل بر سر آن جنگیده بودند. در برهه‌ای از بحبوحه آن درگیری رهبران و لشکریان دمشق جنایاتی علیه ساکنان جلعاد مرتکب شده بودند. وقتی گفته می‌شود که آنها جلعاد را با سورت‌های آهنی کوبیدند، منظور سورت‌های آهنی تخته‌ای آهنی بود که میخ‌های تیزی مانند چاقو یا میخ تیز در آن فرو رفته بود.

آن وسیله تیز روی گندم یا غلات یا جو یا هر چیز دیگری که در حال برداشت بود، کشیده می‌شد تا دانه را از انبار جدا کند. ظاهراً، آنچه اینجا اتفاق افتاده، این است که آنها از این سورت‌های خرمن‌کوبی نه برای برداشت غلات، بلکه برای شکنجه واقعی مردم استفاده می‌کرده‌اند. ما نمی‌دانیم که این به معنای واقعی کلمه

است یا به معنای مجازی، اما این توصیف وحشت جنگی است که در درگیری بین دمشق و اسرائیل رخ داده بود.

خدا این را دیده است، و خدا دمشق را مسئول می‌داند. آنها به خاطر این، عهد خود را با خدا نقض کرده‌اند. به فصل ۱، آیه ۶، برای سه گناه غزه و برای چهار گناه، فلسطینیان، می‌رویم؛ آنها چه کرده‌اند؟ در پایان آیه آمده است، زیرا آنها تمام یک قوم را به تبعید برده‌اند تا آنها را به ادوم تحویل دهند ۶.

در این آیه به قوم اشاره نشده است. بر اساس فصل ۲۶ کتاب دوم تواریخ، در زمان عزیا، درگیری بین یهودا و فلسطین وجود داشته است. این ممکن است بازتابی از آن درگیری باشد که در آن فلسطینیان، اسرائیلی‌ها یا یهودیان را در جنگ اسیر کرده و سپس آنها را به تبعید برده و به بردگی به ادومی‌ها فروخته‌اند.

خدا این را می‌بیند و خدا می‌گوید، پس من آتش را بر دیوارهای غزه خواهم فرستاد. این آتش دژهایش را خواهد سوزاند. من ساکنان را از اشدود و هر که را که عصای سلطنت را در دست دارد از اشقلون نابود خواهم کرد.

من دست خود را به سوی عقرون دراز خواهم کرد و نام تمام این شهرهای فلسطینی را ذکر خواهم کرد و بقیه فلسطینیان هلاک خواهند شد، خداوند متعال می‌گوید. نکته جالب اینجاست که خداوند فقط پادشاه و رهبران و ژنرال‌ها و فرماندهان را مسئول این امر نمی‌داند. خداوند خود ملت، از جمله مردم را، مسئول جنایاتی می‌داند که مرتکب شده‌اند.

در آیه ۵، که درباره داوری دمشق صحبت می‌کند، خداوند می‌گوید مردم سوریه به قیر، جایی که در ابتدا از آنجا آمده بودند، تبعید خواهند شد. ما به آیه ۹، سومین سخنرانی داوری، می‌رویم، به خاطر سه گناه صور و چهار گناه دیگر، من مجازات را لغو نمی‌کنم زیرا آنها تمام یک قوم را به ادوم تسلیم کردند. آنها به ادومی‌ها اسیر دادند، و دوباره، احتمالاً درباره درگیری با اسرائیل یا با یهودا صحبت می‌کنند، و آنها پیمان برادری را به یاد نیاوردند.

ما نمونه‌های زیادی از زمان سلیمان داریم. می‌توانیم به اول پادشاهان ۵، آیه ۱۲ و اول پادشاهان ۱۶ نگاه کنیم، جایی که صور مجموعه‌ای از عهد و پیمان‌ها را با مردم اسرائیل بسته است. اخاب با ایزابل ازدواج کرد زیرا پدرش در آنجا پادشاه بود.

اتحادهایی وجود داشت، پیمان‌هایی وجود داشت، معاهداتی وجود داشت. اگرچه خداوند از این واقعیت که اسرائیل وارد این اتحادها شده بود، ناراضی بود، اما خداوند صور را به خاطر این واقعیت که آنها به تعهدات، عهد خود عمل نکردند، مسئول می‌داند. همانطور که ملت‌ها امروزه معاهدات و تعهداتی را می‌پذیرند، خداوند از این امر چشم‌پوشی می‌کند.

خدا انتظار دارد وقتی ملتی قول می‌دهد که در جنگ شرکت نکند، به مردم یا ملت‌های دیگر آسیب نرساند و به قلمرو حاکمیت آنها تجاوز نکند، وقتی به وعده‌هایی که داده است عمل نکند، خدا آنها را داوری خواهد کرد. فصل ۱، آیه ۱۱، به خاطر سه گناه ادوم و به خاطر چهار گناه، من مجازات را لغو نخواهم کرد زیرا او برادرش را با شمشیر تعقیب کرد و تمام رحم و شفقت را کنار گذاشت، و خشم او دائماً شعله‌ور بود، و خشم خود را برای همیشه نگه داشت. بنابراین در اینجا، ما بیش از یک گناه ذکر شده داریم.

من فکر می‌کنم درگیری دائمی بین ادوم و اسرائیل که از قبل از ورود اسرائیل به این سرزمین ادامه داشته است، در اینجا منعکس شده است. ادوم با اسرائیل با خشم و خشونت رفتار کرد. آنها از تمرکز بر این واقعیت که آنها با بنی اسرائیل برادر بودند، غافل شدند.

بنی اسرائیل، نوادگان یعقوب. ادومیان، نوادگان عیسو. و چون آنها رحم و شفقت را کنار گذاشته بودند، خشمگین بودند، خشم خود را فرو خورده بودند، خدا خشم خود را بر ادومیان فرو خواهد ریخت.

و بنابراین، دوباره، ما این نوع زبان کلیشه‌ای را در مورد داوری داریم. من آتشی بر تیمان خواهم فرستاد و قلعه‌های بصره را خواهد سوزاند. بنابراین خدا می‌بیند که ادومی‌ها چه کرده‌اند و او آنها را پاسخگو خواهد کرد.

عمونیان، که در فصل ۱ آیه ۱۳ ذکر شده است، سه گناه عمونیان، حتی برای چهار گناه، من مجازات را لغو نخواهم کرد. به آنچه انجام داده‌اند گوش دهید. و این توصیف وحشتناکی است، اما من فکر می‌کنم واقعیت‌های جنگ در خاور نزدیک باستان است.

چون آنها زنان باردار را در جلعاد پاره پاره کرده‌اند، و به یاد داشته باشید که این شهری است که در سری آغازین این سخنرانی‌های داوری، توسط دمشق مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار گرفت. آنها زنان باردار را در جلعاد پاره پاره کردند.

آنها این غیرنظامیان را کشتند. زنان بی‌گناه قتل عام شدند. در نتیجه این، کودکان خردسال آنها که در رحمشان بودند، نابود شدند.

و دلیل این کارشان این است. اینکه بتوانند مرز خود را گسترش دهند. آنها یکی از غیرانسانی‌ترین جنایاتی را که می‌توان تصور کرد، مرتکب شدند، صرفاً برای اینکه بتوانند قلمرو خود را گسترش دهند و رفاه خود را افزایش دهند.

بنابراین، خدا می‌گوید، من آتشی در دیوارهای ربه، شهر عمونیان، خواهم افروخت و قلعه‌هایش را با غرش در روز نبرد، و با تندباد در روز گردباد، خواهد سوزاند. و پادشاه آنها به تبعید خواهد رفت، او و سرورانش با هم. همانطور که قبلاً دیدیم، مردم به تبعید خواهند رفت.

خداوند به ویژه رهبران را مسئول می‌داند. و وقتی این را می‌خوانم، دانستن این که در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، جایی که این جنایات وحشتناک، تروریسم بین‌المللی و چیزهایی که امروز در جریان است وجود دارد، خدا آن چیزها را می‌بیند، و در نهایت خدا قاضی تمام زمین است که همه چیز را درست خواهد کرد، آرامش بخش است. ابراهیم می‌گوید، آیا قاضی زمین کار درست را انجام نخواهد داد؟ همانطور که او در مورد وضعیتی که در زمان خودش در جریان بود فکر می‌کند.

و من فکر می‌کنم عاموس این دلگرمی را می‌دهد که بدانیم همانطور که خدا با ملت‌ها، چه در تاریخ و چه در آخرالزمان، برخورد می‌کند، خدا قرار است اوضاع را درست کند. خدا ملت‌ها را هم در طول تاریخ داوری می‌کند، و همچنین یک داوری نهایی در آخرالزمان وجود دارد که در آن خدا قرار است همه ملت‌ها، همه مردم، همه پادشاهان، همه رهبران، همه کسانی که در قدرت بوده‌اند، همه کسانی که مسئول آن هستند را در قبال این نوع چیزها پاسخگو نگه دارد. فصل ۲، آیه ۱، قبل از اینکه به یهودا و اسرائیل برسیم، برای سه گناه موآب و برای چهار گناه، من مجازات را لغو نخواهم کرد زیرا او استخوان‌های پادشاه ادوم را سوزاند و به آهک تبدیل کرد.

و اینجا ما یک درگیری داریم و می‌توانید تصور کنید که این ملت‌های کوچک همیشه بر سر قلمرو، مرزها حق این قطعه زمین یا این قطعه ملک یا این آبراه و از این قبیل چیزها با هم می‌جنگند. به خاطر سه تخلف

موآب، او استخوان‌های پادشاه ادوم را تا حد آهک سوزاند. نکته مهم در اینجا این است که ما اولین نمونه واضح را داریم که نشان می‌دهد این صرفاً کاری نیست که یکی از این ملت‌ها با مردم اسرائیل انجام داده باشد.

این اکنون نمونه‌ای از دو ملت است که اسرائیل اصلاً در آنها دخیل نیست، موآب و ادوم، و خشونت و روشی که آنها بقایای پادشاه دشمن خود را تحقیر و حتی بی‌احترامی کرده‌اند، در نهایت آنها را مسئول مجازات می‌کند. بنابراین، ما در مورد این واقعیت صحبت کرده‌ایم که این ملت‌ها نوعی نقض عهد علیه خداوند مرتکب شده‌اند. وقتی به بنی اسرائیل فکر می‌کنیم، می‌توانیم بگوییم، خب، این صرفاً اجرای عهد ابراهیمی است.

خدا گفت من کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد. کسانی را که تو را نفرین کنند، نفرین خواهم کرد. و بنابراین این ملت‌ها مسئول این امر هستند.

این ممکن است اینجا مطرح شود. در نهایت، من فکر می‌کنم عهدی که مد نظر است و اینکه چرا این ملت‌هایی که تحت عهد موسی نیستند را می‌توان مرتکب پشاه علیه یهوه دانست، به این دلیل است که آنها، مفاد عهد نوح را که درست پس از زمان سیل با تمام بشریت برقرار شد، نقض کرده‌اند. به یاد داشته باشید در آن عهد و نحوه تنظیم عهد در عهد عتیق، عهد‌ها همیشه شامل وعده‌هایی از جانب خدا هستند، اما آنها همچنین شامل نوعی شرط یا قید و شرط نیز می‌شوند.

وعده عهد نوح این است که خدا دیگر هرگز زمین را با سیل داوری نخواهد کرد. او قرار نیست زمین را به روشی که در روزگار نوح انجام داد، نابود کند. و این مهم است.

زمین باید ادامه یابد تا خدا نقشه نجات خود را اجرا کند. با این حال، وظیفه این بود که بشریت از این نقطه به بعد، به عنوان راهی برای اطمینان از اینکه داوری سیل دوباره اتفاق نیفتد، خشونت را که در وهله اول باعث آن سیل شده بود، مهار کند. حکومت انسانی در اینجا تأسیس شده است.

و خدا به نوح می‌گوید، هر که خون انسان بریزد، خورش به دست انسان ریخته خواهد شد. و این، این یک تعهد ابدی است که بشریت مسئول مهار خشونت و خونریزی است. دلیل آن این است که انسان‌ها به صورت خدا آفریده شده‌اند.

و بنابراین انسان باید به این جنایاتی که آنها مرتکب شده‌اند، احترام بگذارد، ضمناً، اینکه مردم دمشق ساکنان، جلعاد را با سورت‌ها آهین کوبیدند، روشی که گروه دیگری از مردم فروختند، و چندین نفر از این افراد اسرائیلی‌ها یا افراد دیگر را به بردگی و تبعید فروختند، روشی که آنها معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی را که برای برقراری صلح بسته بودند نقض کردند، روشی که عمونی‌ها زنان باردار جلعاد را شلاق زدند، روشی که موآبی‌ها استخوان‌های پادشاه را سوزاندند تا آهک شود، آنها آنچه را که خدا در پیدایش ۹، آیات ۵ و ۶ مقرر کرده بود، نقض کردند. در نتیجه آن، داوری خدا بر ملت‌هایی که اسرائیل را احاطه کرده بودند، نازل می‌شد. بسیار خوب. و بنابراین، آنچه ما در اینجا داریم چیزی فراتر از یک درس تاریخ است.

و ما در مورد اهمیت این موضوع برای مردم امروز صحبت کرده‌ایم. این فقط یک عهد نیست که در قرن هشتم برای ملت‌هایی که اسرائیل و یهودا را در سرزمین سوریه و فلسطین احاطه کرده بودند، اعمال می‌شد. این یک عهد است.

این تعهدی است که بر دوش تمام بشریت گذاشته شده است. و بنابراین، خداوند در طول تاریخ بر اساس این عهد، ملت‌ها را قضاوت می‌کند. و من فکر می‌کنم، با نگاه به تاریخ اخیر، معتقدم که خداوند آلمان نازی را به خاطر جنایاتی که مرتکب شدند، قضاوت کرد.

من معتقدم که خدا امپراتوری شوروی را به این دلیل قضاوت کرد که یک امپراتوری خشن و شرور بود. اما با فکر کردن به کشور خودمان، وقتی کشوری داریم که سقط جنین انجام می‌دهد و هر ساله یک میلیون کودک را به قتل می‌رساند، در نهایت، برای این نوع خشونت، حسابرسی وجود دارد. و در نهایت، خدا همه ملت‌ها را مسئول می‌داند.

و بنابراین، خداوند امروز ملت‌ها را در تاریخ به همان روشی داوری می‌کند که در روزگار اسرائیل و یهودا در عهد عتیق داوری می‌کرد. این فقط عهد عتیق نیست. این تعهد پایدار خداوند به بشریت است.

و در واقع، کتاب اشعیا همانطور که در بخشی از کتاب اشعیا به نام آخرالزمان کوچک، در مورد داوری نهایی خدا صحبت می‌کند، در نهایت در مورد این صحبت می‌کند که داوری خدا بر کل زمین نازل خواهد شد. و منظوری این است که این یک داوری ویرانگر خواهد بود. این فقط بر دمشق یا ادوم یا موآب یا یک ملت خاص نازل نخواهد شد.

قرار است بر تمام زمین فرود آید، و زمین مانند یک مرد مست زیر این داوری تلو تلو می‌خورد و تکان می‌خورد. چرا خدا قرار است این داوری را بیاورد؟ اشعیا ۲۴، آیات ۱ تا ۵، این را برای ما توضیح می‌دهد. و در آیه ۵ می‌گوید: زمین زیر پای ساکنانش نجس شده است زیرا آنها از قوانین سرپیچی کرده‌اند.

آنها فرایض را زیر پا گذاشته‌اند. آنها عهد ابدی را شکسته‌اند. بنابراین، نفرین زمین را می‌بلعد و ساکنان آن به خاطر گناه خود رنج می‌برند.

بنابراین، ساکنان زمین سوخته شده‌اند و تعداد کمی از مردان باقی مانده‌اند. در اینجا داوری‌ای وجود دارد که قرار است بر زمین نازل شود. چرا این اتفاق می‌افتد؟ و اشعیا می‌گوید دلیل اینکه این داوری بر زمین نازل خواهد شد این است که آنها پیمان ابدی را نقض کرده‌اند.

وقتی درباره عهد ابدی صحبت می‌کنیم، درباره چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ باز هم، ما درباره شریعت موسی صحبت نمی‌کنیم زیرا این عهدی است که به طور خاص با قوم اسرائیل بسته شده است. وقتی گفته می‌شود که آنها از قوانین سرپیچی کرده‌اند، ما درباره ده فرمان صحبت نمی‌کنیم. به نظر من، ما درباره مفاد عهد نوح صحبت می‌کنیم که در طول تاریخ نقض شده‌اند.

در نهایت، کنتور خون به اندازه کامل خود خواهد رسید و خداوند خواهد گفت، دیگر بس است. خداوند به قوم اسرائیل فرمود که باید اطمینان حاصل کنند که در موارد قتل و کشتار، عدالت را رعایت و اجرا می‌کنند، زیرا خون قربانیان بی‌گناهی که در آن سرزمین زندگی می‌کردند، برای عدالت به درگاه خداوند فریاد برمی‌آورد. تصور کنید که این میلیون‌ها و میلیون‌ها بار بیشتر از خون همه بی‌گناهان، خشونتی که انسان‌ها به یکدیگر روا داشته‌اند، ضرب شود.

دوباره مسئولیت و گناه را در کشور ما تصور کنید، نه فقط قتل‌ها و اتفاقاتی که آنجا می‌افتد، یک میلیون سقط جنین در سال. در نهایت، برای همه اشکال خشونت و خونریزی، حسابرسی به خدا وجود دارد. از کجا می‌دانیم که در اشعیا این موضوع به طور خاص و به طور خاص همان چیزی است که اشعیا بر آن تمرکز دارد؟ خب، او از این به عنوان یک عهد ابدی صحبت می‌کند.

این، باز هم، به زمان نوح برمی‌گردد. اما در اشعیا ۲۶-۲۱، فکر می‌کنم ایده مشخص‌تری از عهد خاصی که در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم، به دست می‌آوریم. اشعیا ۲۶-۲۱ این را می‌گوید: زیرا اینک، خداوند از مکان خود بیرون می‌آید تا ساکنان زمین را به خاطر گناهانشان مجازات کند.

و زمین خون‌هایی را که بر آن ریخته شده است، آشکار خواهد کرد و دیگر کشته‌های خود را نخواهد پوشاند. خدا از تمام خونریزی‌ها، تمام خشونت‌ها، تمام قساوت‌هایی که در طول تاریخ مرتکب شده است آگاه است. زمین این را آشکار خواهد کرد و خدا در نهایت به خاطر آن، داوری خود را انجام خواهد داد.

در کتاب دوازدهم، فکر می‌کنم عاموس الهیات عهد نوح را منعکس می‌کند، مبنی بر اینکه خدا قرار است این ملت‌ها را به دلیل کارهای وحشتناکی که انجام داده‌اند و خونریزی‌ها و جنایاتی که مرتکب شده‌اند، داوری کند. اما همین را در کتاب حبقوق می‌بینیم. قرار است داوری‌ای بر بابل نازل شود و در نهایت، پس از اینکه خدا از آنها برای اجرای داوری خود بر اسرائیل و یهودا استفاده می‌کند، قرار است بابلی‌ها را داوری کند.

چرا؟ زیرا آنها امپراتوری‌ای بودند که بر پایه سلطه نظامی، خشونت، تجاوز و خونریزی بنا شده بود. و حبقوق این را می‌گوید: وای بر کسی که شهری را با خون بنا می‌کند و شهری را بر پایه بی‌عدالتی بنا می‌نهد. اینک، از جانب خداوند لشکرها نیست که مردم صرفاً برای آتش زحمت می‌کشند و ملت‌ها بیهوده خود را خسته می‌کنند.

بابل امپراتوری‌ای است که بر پایه خون بنا شده است. در نهایت، حسابرسی به درگاه خدا انجام خواهد شد و آن امپراتوری سرنگون خواهد شد. ناحوم در مورد داوری آشوریان صحبت می‌کند و ما در یکی از ویدیوهایمان در مورد پیشینه تاریخی این که چگونه آشور به عنوان قومی به ویژه خشن و پرخاشگر با قربانیان به دار آویخته شده بر روی چوب و بدن‌های مثله شده و سربازان سر بریده و شکنجه و همه این نوع چیزها شناخته می‌شد، صحبت کردیم.

وقتی داوری خدا در تاریخ بر نینوا نازل می‌شود، در فصل ۳، آیه ۱ چنین آمده است: وای بر شهر خونین، پر از دروغ و غارت و طعمه‌های بی‌پایان. بنابراین، آنها خونریزی کرده‌اند، مرتکب جنایات شده‌اند، و آنچه ناحوم به تصویر می‌کشد، ارتش دشمنی است که قرار است دقیقاً همین کار را با آنها انجام دهد، و مجازات با جرم مطابقت خواهد داشت زیرا خدا آنها را پاسخگو می‌داند. بنابراین، این اساس داوری خدا بر ملت‌ها در فصل‌های ۱ و ۲ است. وقتی به آنچه عاموس در مورد داوری یهودا و اسرائیل می‌گوید نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اساس داوری، در اینجا دیدگاه متفاوتی وجود دارد.

همه حضار عاموس می‌گفتند، ما کاملاً، از صمیم قلب با آنچه شما اینجا می‌گویید موافقیم. این ملت‌ها سزاوار داوری خدا هستند. آنها خدا را تحسین می‌کردند، مانند شیر غران و مانند طوفان رعدآسا.

اما گفتار هفتم را به یاد داشته باشید، و باز هم، مردم در پادشاهی شمالی این را تأیید می‌کردند، برای سه گناه یهودا و برای چهار گناه، من مجازات آنها را لغو نخواهم کرد زیرا آنها قانون خداوند را رد کرده‌اند و فرایض او را نگه نداشته‌اند. بنابراین اکنون، قضاوت یهودا بر این واقعیت استوار است که آنها فرامین خدا را به آنها نقض کرده‌اند، و من فکر می‌کنم اساس این قضاوت، نقض قانون موسی توسط آنهاست. آنها فرایض او را نگه نداشته‌اند. دروغ‌های آنها، آنها را گمراه کرده است، دروغ‌هایی که پدران‌شان از آنها پیروی کرده‌اند. بنابراین من آتشی بر یهودا خواهم فرستاد و قلعه‌های اورشلیم را خواهد سوزاند.

خب، این عالی‌ه پیام هفتم، پیام تمام شد، اما پیام هشتم که مردم خیلی دوست نداشتند این است که خدا می‌گوید، حالا به این گوش کن: برای سه گناه اسرائیل و برای چهار گناه، من مجازات را لغو نمی‌کنم. نکته جالبی که وقتی خداوند به داوری اسرائیل می‌پردازد اتفاق می‌افتد این است که به جای اینکه لیستی از یک گناه به ما بدهد، یا به جای اینکه شاید دو گناهی که آنها انجام داده‌اند را به ما بدهد، یک لیست طولانی از گناهان اسرائیل وجود دارد.

آنها پارسایان را به نقره، نیازمندان را به یک جفت صندل می‌فروشنند، سر فقیران را پایمال می‌کنند، راه ستمدیدگان را منحرف می‌کنند، یک مرد و پدرش به سوی یک دختر می‌روند، در کنار هر قربانگاهی روی لباس‌های گرو گذاشته شده دراز می‌کشند و در خانه خدای خود، شراب کسانی را که جریمه شده‌اند می‌نوشند. طولانی‌ترین فهرست گناهان در اسرائیل یافت می‌شود. اسرائیل فکر می‌کرد که ما به عنوان قوم خدا از این داوری معاف هستیم؛ ما از آن بت‌پرستانی که خدایان دیگر را می‌پرستند بهتر هستیم.

خداوند از طریق عاموس به اسرائیل می‌گوید که شما در برابر کسانی که به آنها چیزهای بیشتری داده شده است، مسئول‌تر هستید؛ چیزهای بیشتری از آنها خواسته شده است. خداوند شریعت خود را به شما داده است؛ شما آن را رعایت نکرده‌اید و در نهایت پاسخگو خواهید بود. در عاموس ۱-۲ به ما یادآوری می‌شود که خدا شیر غران است؛ خدا طوفان رعدآسا است.

ما این را در سراسر کتاب عاموس خواهیم دید. آن داوری بر ملت‌ها به دلیل نقض عهد نوح نازل خواهد شد. داوری خدا بر یهودا و اسرائیل به دلیل نقض عهد موسی نازل خواهد شد.

آنها در دوست داشتن خدا با تمام قلبشان شکست خورده‌اند. آنها در دوست داشتن همسایگان‌شان مانند خودشان شکست خورده‌اند.

این سخنرانی دکتر گری یتس در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد پیامبران کوچک است. این جلسه هشتم، داوری بر ملت‌ها است.